یادداشت

حیاط پشتی و نارنگی

سحر امام‌جمعه- بالاخره و به سختی در کوچه‌های شیب‌دار گیشا جای پارک پیدا کردیم. دو ساعت مانده به تمام شدن نمایشگاه قهوه «ری‌را» را راضی کرده‌ام بیاید با هم در آن گشتی بزنیم. «صدف» هم سردر ورودی نمایشگاه منتظرمان ایستاده. بعد از شش ماه بالاخره موفق شدم او را هم در این قرار بگنجانم و ببینمش. شاید واقعا کار، کار قهوه است که می‌گویند آدم‌ها را می‌کشاند و به مرکز خودش جمع می‌کند. پلک‌های عرق کرده از دم‌کردگی غروب شهریورم را می‌گذارم روی هم و نمی‌دانم دیگر می‌شود همه آن دوستان و حتی غریبه‌های آشنایی را که دارند متواری می‌شوند یا شده‌اند و این جمع پراکنده را روی خاک این قاره‌ها ساخته‌اند، دوباره به مرکزی گرد آورد؟ هرچند آن عطر قهوه باشد بین درخت‌های بوستان گفت‌وگوی تهران؟

وارد سالن‌های نمایشگاه می‌شویم. با اینکه ساعت‌های آخر است هنوز، جنب و جوش اندکی برپاست؛ جایی که یک قهوه‌چی طرز تهیه قهوه مخصوصش را برای جمعی، در حال گذاشتن لایو در اینستاگرام توضیح می‌دهد و جایی دیگر کپه‌ای آدم تصویری ابتدایی از صف را مقابل دستگاه قهوه ساز لاوازا به وجود آورده‌اند. مابقی فضا عمدتا مربوط به معرفی دستگاه‌ها، ظروف و بسته‌هایی از چای و قهوه و افزودنی‌هایش است.

این است که می‌رویم به حیاط پشتی، از قبل می‌دانستم پین کافه‌ای‌ها با ماشین نارنجی‌رنگ یا به قول خودشان نارنگی آنجا هستند. اما به محض ورودمان با دیدن آن فوردها و فولکس‌واگن‌های بنفش و آبی و آن جی‌ال‌دی سه هزارِ سبز که بی‌اختیار هوای جاده و جنگل را به سر آدم می‌اندازد، حسابی به وجد می‌آیم. جای خالی پخش شدن یک موسیقی جاز توی گوشم زنگ می‌خورد اما همهمه گپ و گفت‌های مردم زیر نورهای تزیینی و استیکرها و بادکنک‌های وصل‌شده به ماشین‌های قهوه نوای ملایم و موزونی ساخته. «ری‌را» دوستی قدیمی را می‌بیند. ماکیاتوی یخ و آب هندوانه در دست، کنار نارنگی یک جمع کوچک شکل می‌گیرد. ری‌را، من، صدف، امیر و رفیقی که نامش را نمی‌دانیم اما در خاطرات سفر ماجراجویانه اخیرش سهیم می‌شویم. مثل همه خداحافظی‌ها، آخرش حرف از قرارهای بعدی به بهانه‌های دیگر به میان است. اما من ترجیح می‌دادم حیاط پشتی به قدر دیدار اتفاقی تمام دوست‌هایمان و به بهانه یک نوشیدنی وسعت داشت، حتی آنها که رفته‌اند یا خیالی جز مهاجرت در سر ندارند.

راه می‌افتیم و حرکت! و به نظرم می‌آید این حرکت، این سیاری انگار به تاروپود نسل‌مان گره خورده است. به گفت‌وگوهایمان، کافه‌هایمان و الفبای بودن‌مان.

بهانه‌های سیار

اشکان حسین‌زاده- مدتی است کافه‌های سیار در تهران فراوان شده و مطمئنا به زودی در شهرهای دیگر هم پا می‌گیرند. البته این کافه‌ها در کشورهای دیگر مدت‌هاست که مشغول هستند. احتمالا در فیلم‌ها کاروان‌هایی را که به وسیله کامیونت کشیده می‌شوند و انواع غذاها را سرو می‌کنند، دیده‌اید. در تهران هم از «فولکس استیشن» هست تا اتومبیل‌های بزرگ‌تر که تقریبا هر غذایی را -البته با توجه به محدودیتی که جای کوچک ماشین برایشان ایجاد کرده- سرو می‌کنند. من هم به عنوان یک باریستا دلم می‌خواهد چنین کسب‌وکاری راه بیندازم. قهوه سرو کنم و احیانا غذاهایی ساده، به قول معروف نیم‌وعده. دوستانم می‌پرسند چه چیزی در این کافه‌های سیار مرا شیفته خود کرده.

می‌دانید؟ کافه بهانه است. در واقع همیشه بهانه‌ای بوده برای هدف مهم‌تری. اگر به همین کافه‌های معمولی نگاه کنید، آدم‌هایی که در آنها قرار می‌گذارند می‌آیند برای دور هم بودن، برای دور شدن از همهمه بیرون. اگر بخواهند به خانه هم بروند، می‌شود مهمان‌بازی و سختی پذیرایی و... اما کافه جای جایگاه برابر است، مهم نیست چه کسی هستی و اصل و نسبت چیست، آنجا کنار بقیه می‌نشینی و از یک چیز مشترک لذت می‌بری. ولی خب، این کافه‌ها به‌هرحال محل رفت‌وآمد آدم‌هایی می‌شود که (تقریبا) اشتراکاتی دارند. اصلا خاصیت پاتوق همین است. حالا فکر کنید همین را بیاوریم در خیابان، اینجا دیگر دموکراسی صددرصد است. کافه سیار حتی این (تقریبا) را هم ندارد. هر کسی که رد می‌شود، بالقوه مشتری قهوه و لَختی ایستادن است. در واقع بهانه اصلی همان درنگ چند دقیقه‌ای است. آدم‌ها، از هر قشر و طبقه‌ای که باشند، درنگ می‌کنند و به زندگی تند و ماشینی خود می‌گویند: «اِستَپ». راستش بو و طعم قهوه با من که این کار را می‌کند. بعضی از این کافه‌های سیار چنان مشتری‌های پروپا قرصی دارند که وقتی صاحب یکی از آنها در صفحه‌های مجازی می‌گوید فردا در فلان محله و خیابان هستیم آنها هم بلند می‌شوند و می‌روند آنجا. در عالم کافه‌داری به مشتری‌های دائمی می‌گویند ستون‌های کافه. البته نمی‌دانم درباره این افراد در عالم کافه سیار باید چه گفت؛ شاید چرخ‌های کافه!

باری، این پدیده نو حسابی دارد پا می‌گیرد و حتما در عالم رقابت، خلاقیت‌های جدیدی هم چاشنی‌اش خواهد شد.

و من، وقتی دوستانم می‌پرسند چرا دوستش داری، اینها را می‌گویم.

نگاه

لزوم تایید رسمی کافه‌های سیار

امیر محمود حریرچی*

تفریحات در کنار تمامی نیازها از ضروری‌ترین خواسته‌های مردم است که در سال‌های پس از انقلاب به درستی مورد توجه قرار نگرفته است. کافه‌های سیار مشابه فودتراک‌هایی است که در کشورهای اروپایی سال‌هاست رونق خاصی میان مردم دارد اما تفاوت بزرگ‌شان با مدل‌های ایرانی در امنیت و به رسمیت شناخته شدن آنهاست. شهرهای بزرگ فرصت دورهمی‌ها را تغییر داده‌اند؛ کافه‌ها از انحصار حضور مردان خارج شده و بیشتر خانواده‌ها طالب این تفریحات هستند اما هنوز قوانینی که در آن حقوق شهروندی به رسمیت شناخته شود تدوین نشده است. مشاغلی مثل کافه‌داری به شکل سیار نیاز دارد تا از سوی نهادهای رسمی تایید و حمایت شود تا سلامت مردم در استفاده از غذای آنها تضمین شده باشد و حضورشان در این فضاها با ترس از مزاحمت و دزدی همراه نشود. دو مساله مهم مرتبط با تفریحات و وقت‌گذرانی که در کشورهای توسعه‌یافته دیده می‌شود و در کشور ما هنوز به درستی جا نیفتاده است، اول اینکه مردم برای تفریحات خود حق انتخاب دارند و محدودیت‌های حاکم در این زمینه بسیار کم است و از ارکان مهم مفهوم توسعه‌یافتگی یکی همین داشتن قدرت انتخاب گسترده‌ای است که حکومت در اختیار مردم می‌گذارد. دوم آن که تفریحات عمومی نباید برای سایر افراد جامعه مزاحمت ایجاد کند و آزادی سایر افراد را مختل کند، تکالیف شهروندی در مقابل حقوق شهروندی لازم‌الاجراست. رسمی شدن تفریحات سالم راه موثری است که از یک سو باعث کاهش آمار بزه‌کاری و افسردگی در شهرهاست و از سوی دیگر موجب از بین رفتن شکل زیرزمینی و غیرقانونی این تفریحات می‌شود. کافه‌های سیار برای فعالیت در سطح شهر ابتدا باید اصول حرفه‌ای را یاد بگیرند و خلأ قانونی در زمینه این‌گونه مشاغل فرصت سودجویی را برای صاحبان آنها فراهم نکند.

* جامعه‌شناس

راهی برای از بین بردن شب‌مرگی تهران

سعید سادات‌نیا*

پدیدآمدن اقسام جدید تفریحات می‌تواند عقده‌گشایی جامعه مقابل محدودیت‌ها باشد. کافه‌های سیار به ویژه آنچه در خیابان سی‌تیر شکل گرفته است باعث از بین رفتن شب‌مرگی در خیابان‌های تهران می‌شود، تهران را زنده نگه می‌دارد و حال شهر را عوض می‌کند. در حال حاضر خانه‌های قدیمی و نوستالژیک در بازار رکود مسکن از استقبال خوبی بهره‌مند هستند؛ این موضوع از اقبال عمومی برای احیای خیابان‌های تاریخی و خانه‌های قدیمی نشأت می‌گیرد و حتی انتخاب یک ماشین قدیمی و سمبلیک برای کافه‌های سیار یعنی فولکس واگن‌ها بی‌ارتباط با این جریان نیست.

کافه‌هایی که صورت دورهمی‌ها را از تکلف و تجمل دور می‌کنند، غالبا در مرکز شهر فعال هستند و بنابراین اکثریت مردم به آن دسترسی دارند؛ قیمت مناسب آنها هم باعث شده تا به قشر خاصی از شهروندان تعلق نگیرد و برای همه قابل استفاده باشد. تفریحات جدید مانند کافه‌های سیار همزمان می‌توانند هم فضای بازتری را به وجود آورند و گامی در جهت رشد مدنیت در جامعه شهری باشند و هم این گشایش فضا برای سرگرمی و دورهم جمع شدن‌ها را طلب می‌کنند.

این دست اتفاقات جدید نهایتا توانسته شهرداری را وادار کند تا در کنار ساخت پروژه‌های عظیم تجاری و سازه‌های مدرن به محله‌های مختلف تهران به ویژه مناطقی که هویت و تاریخ آن را شکل داده‌اند توجه ویژه داشته باشد؛ از پتانسیل آنها برای جریان دادن به زیست شهری و اهمیت به ارزش معماری و تاریخ استفاده کند. جذابیت‌ها به تدریج از کمیت به کیفیت در حال گذر و ظهور صورت نوینی از کافه‌ها بیانگر بالابردن شادابی و سرزندگی و رسیدن به ارزش‌های واقعی از سوی مردم است.

* معمار

کافه‌های سیار کسب و کار جدید فرهنگی

شبانه‌های تهران جان می‌گیرد

ساجده عرفانی- کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌های خیابانی از ایده‌های نوآورانه در کسب و کار شهری‌اند که قدمت‌شان در ایران بیش از صد سال است و همزمان با رشد زندگی شهری پا گرفته‌اند. قبل از آغاز این جریان فرهنگ مردم ایران بیشتر به نشستن در قهوه‌خانه‌ها و تماشای محفل بزم تمایل نشان می‌داد تا خوراکی و نوشیدنی‌های سرپایی؛ تمایلی که سال‌های بعد نیز همزمان با گاری‌های خیابانی ادامه پیدا کرد تا روند رشد شهرنشینی به‌اندازه‌ای رسید که سرعت بر کیفیت مقدم شد. امروز می‌توان لابه‌لای چک کردن انواع شبکه‌های اجتماعی، نشانی نزدیک‌ترین قهوه خیابانی را پیدا کرد؛ میانِ آمد و رفت به محل کار سری به یکی از آنها زد و عکسش را در همان شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد.

■ از کافه‌نشینان دوران رضاشاه تا فودتراک‌های مدرن

سعید سادات‌نیا، معمار و کارشناس شهرسازی تاریخچه کافه‌نشینی در ایران را همزمان با دوره رضا شاه و آغاز تحولات شبه غربی می‌داند. کافه‌هایی که بستری برای دورهمنشینی روشنفکران زمان خودش بود و توسط همین افراد تا اوایل انقلاب روند رو به رشدش را طی کرد. انقلاب و تحولات ۵۷ گسست بزرگی برای جریان کافه‌نشینی بود و تا حدی مقابل این جریان ایستاد. به تدریج کتابخانه‌ها، خانه‌های زیرزمینی و گعده‌های شخصی جای کافه‌نشینی‌ها را گرفت. هر جریان فکری، هنری و اجتماعی برای خودش گروه‌های جداگانه‌ای تشکیل دادند و صورت عمومی دورهمی‌ها کمرنگ شد.

این فروبستگی فضای اجتماعی در سال‌های جنگ هم ادامه پیدا کرد. با پایان یافتن هشت سال جنگ تلاش برای باز کردن فضاها در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی آغاز شد؛ تلاشی که در چارچوب بود و نتایج چشمگیری کسب نشد. با روی کار آمدن اصلاحات درخشان‌ترین دوره برای شکل‌گیری پاتوق‌ها شروع شد و در کنار کافه‌نشینی‌ها، کویرگردی و طبیعت‌گردی به عنوان شکل جدیدی از تفریحات برای مردم به وجود آمد. دولت نهم و دهم ادامه سیاست‌های فروکاست اجتماعی بود که زمینه را برای فعالیت‌های زیرزمینی فراهم کرد؛ رشد موسیقی‌های زیرزمینی از نمونه پیامدهای جریان بسته آن سال‌هاست. انتخابات دوره یازدهم ریاست‌جمهوری با شعار تلاش برای گشایش فضای فعالیت‌های اجتماعی و هنری پیش رفت. این دوران با عقب‌نشینی حکومت و دادن امتیازات بیشتر همراه شد؛ کافه‌ها دوباره رونق گرفتند و با سرعت بسیار زیاد خیابان‌های تهران را پر کردند. ارکسترها و گروه‌های موسیقی هم توانستند از فضای کافه‌ها برای فعالیت‌هایشان استفاده کنند. مکان‌های تاریخی و عمومی در تهران و سایر شهرها مثل اصفهان (پل خواجو و فضای سبز اطراف زاینده‌رود) محلی برای فعالیت‌های هنرمندان خیابانی شد. کافه‌ها توانستند به دو شکل سیار و دائمی فعالیت‌هایشان را دنبال کنند.

■ سی‌تیر، احیای زندگی شبانه

خیابان سی‌تیر که نام پیشینش قوام‌السلطنه بود قدمتی همپای نهضت مشروطه دارد، پا به پایِ تاریخ ایران و تهران آمده است تا حالا بستری برای انواع موزه‌ها و مردمانی از ادیان گوناگون باشد، همجواری‌اش با بازار تهران جریان زندگی را در آن زنده نگه داشته و بیشتر از آنکه خیابانی برای سکونت دائم شهروندان باشد محل امرار معاش و گذر روزانه است. همین کافی است تا این خیابان پتاسیل ایجاد خوراکی‌های سیار را داشته باشد.

دو سال پیش به گفته خشایارفرد، مسوول گردشگری منطقه ۱۲، طرح ارتقای زندگی در این ناحیه مطرح شد که دو محور اصلی داشت. زیست مومنانه و گردشگری منطقه. تغییر کاربری‌های منطقه ۱۲ به تدریج آن را خالی از سکنه کرده و تنها منطقه تهران است که رشد جمعیت منفی دارد. خیابان‌های این ناحیه روزها مملو از جمعیت است و شب‌ها خالی و ساکت؛ موضوعی که می‌تواند آسیب‌های اجتماعی منطقه را افزایش دهد. استفاده از ظرفیت گردشگری این ناحیه در قالب کافه‌های سیارِ خیابان سی‌تیر از آذرماه سال گذشته شروع شد. این طرح هرروز تا ساعات انتهایی شب برقرار است. چرخش مردم در خیابان‌های این منطقه آن را از شب‌مردگی نجات داده و ضمن معرفی این خیابان تاریخی، آن را به محل کوچکی برای زیست شبانه ساکنان تهران بدل کرده است. زیست شبانه موضوعی است که به تدریج جدی و جدی‌تر می‌شود بدون آن که در ساختار زندگی شهری تهران راهی برای آن درنظر گرفته شده باشد. عدم امنیت و پایان کار تمامی فروشگاه‌ها در ساعت ۱۲ شب، برای شهروندانی که تا نزدیکی صبح بیدارند امکان آن را فراهم نمی‌کند تا به راحتی در خیابان‌ها حضور پیدا کنند. هرچند ساعت کار رستوران‌های سی‌تیر هم ۱۲ شب به اتمام می‌رسد اما تنها از این جهت اهمیت دارد که این خیابان همزمان با تعطیلی بازار وارد سکوت شبانه می‌شد و امکان گردشگری تا همان ساعات برقرار بود. تنها در ماه رمضان همزمان با سایر رستوران‌ها به سی‌تیر هم اجازه داده شد تا فعالیتش را تا سحر ادامه دهد. کافه‌ها و رستوران‌های سیار این خیابان شکل کوچکی از همان نمونه‌ای ست که سال‌ها در خیابان‌های ترکیه و شهرهای اروپایی برقرار بوده است.

تعدد موزه‌ها در خیابان سی‌تیر چشمگیر است. شهرداری منطقه ۱۲ در طرح گردشگری خیابان سی‌تیر معرفی بیشتر این اماکن را هم مدنظر قرار داده است. اما ساعات کار موزه‌ها همزمان با پایان ساعت اداری به اتمام می‌رسد و عملا فرصتی برای بازدید بیشتر مردم فراهم نیست. طرح رستوران‌های سی‌تیر از آنجا که همکاری میراث فرهنگی برای تغییر ساعت موزه‌ها را به همراه نداشته برای افزایش بازدید از آنها آنچنان موفق نبوده است. وجود طرح ترافیک در این خیابان و بسته بودن تعدادی از موزه‌ها حتی در آخر هفته باعث افزایش گردشگری منطقه نشده است. البته باید اشاره کرد تمامی موزه‌های منطقه ۱۲ در اختیار سازمان میراث فرهنگی نیست و نیاز به همکاری از سوی آستان قدس رضوی، بانک ملی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سایر ارگان‌هایی است که موزه‌های این منطقه را در اختیار دارند. ایام عید تنها زمانی بود که این موزه‌ها تا ۱۱ شب هم به روی عموم باز بودند.

■ شکل جدید وقت‌گذرانی

از خیابان سی‌تیر که فاصله بگیریم و نگاهی به سطح شهر بیندازیم تولد شکل جدیدی از کافی‌شاپ‌ها را شاهد هستیم که داخل فولکس‌واگن‌های آبی و نارنجی شکل گرفته‌اند. گاری‌های سیار بستنی‌فروشی قدیمی که شکل اولیه کافه‌های سیار کنونی هستند، هرکجا که امکانش بود می‌ایستادند و مشتری‌هایشان متغیر بود. تلگرام و اینستاگرام کسب و کار کافه‌های سیار را هم دستخوش تحول کرده است و این امکان فراهم شده تا پیش از ایستادن و فروش قهوه و نسکافه به همه دنبال‌کنندگان‌شان اطلاع دهند امروز کجا هستند و بدین ترتیب مشتری‌هایشان فقط مردم در حال گذر همان خیابان نیستند. می‌توان از محله‌های مختلف مشتری جذب و همراه با آن تبلیغات کرد. کمبی کافه که یکی از فولکس‌واگن‌های سیار است می‌گوید خیلی از مشتریان‌شان اول جذب ماشین شده‌اند و بعد به خود کافه پی بردند. حس نوستالژی فولکس واگن را دلیل انتخاب کسانی می‌داند که به این شیوه از کسب و کار روی آورده‌اند. فولکس‌واگن تبدیل به ماشین پرطرفداری در اینستاگرام شده است که در تبلیغات این کافه‌ها نقش موثری دارد.

یک کافه‌دار معتقد است مشکل مهم این کار پیدا کردن کسی است که تعمیرات این ماشین‌ها را بلد باشد چون زیاد خراب می‌شوند و باتری اضافه برایش خریده‌اند یا اینکه با کلی وسیله و دستگاه قهوه‌ساز باید مراقب باشند که در چاله و دست‌اندازی نیفتند و وسایل‌شان خرد نشود.

ماشین‌های سیاری که در انگلستان هلند یا سوییس وجود دارند محدود به یک مدل نیستند و غالبا روی آنها نوشته‌های کلاسیک و طرح‌هایی خلاقانه وجود دارد.

در ایران برای کافه‌ها به شکل سیارش خلأ قانونی وجود دارد. شهرداری آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. برخورد با این ماشین- کافه‌های سیار به عنوان سدمعبر در خیابان است. برای ایجاد این کافه‌ها مجوزی شناخته نشده است. علی توپچی مدیر کُمبی کافه می‌گوید مأموران بازدید شهرداری حداقل شبی ۵۰ هزار تومان از آنها دریافت می‌کنند و اجازه فعالیت می‌دهند. یکی دیگر از کافه‌داران می‌گوید هر روز دست و دل‌شان میلرزد که نکند شهرداری ماشین را بخواباند.

خشایارفرد امیدوار است شورای جدید درباره این قضیه بحث کند و راه‌حل قانونی ارائه دهد. قوانین قدیمی شهرداری برای این پدیده‌های جدید کارآمد نیست و فقط شامل ماجرای کافه‌های سیار نمی‌شود. اتفاق جدیدی مثل اتوبوس‌های دوطبقه گردشگری که از ابتدای سال وارد کشور شده است هم از این خلأ قانونی مستثنی نیست.

کافه‌های سیار چه در سی‌تیر و پانزده خرداد باشند و چه به‌طور پراکنده در سطح شهر حرکت کنند، چهره آن را زیباتر می‌کنند. علی توپچی معاشرت با اهالی مختلف تهران را از دلایلش برای رو آوردن به این سبک از کسب و کار می‌داند. فرار از محیط‌های رسمی و دوستانه‌تر کردن فضا و همراه بودن با زندگی شناور شهری، ویژگی‌هایی است که فولکس‌واگن‌های رنگی را روزبه‌روز جذاب‌تر کرده است. فرشید مقدم، پژوهشگر شهری یکی از دلایل حضور کافه‌های سیار را گرانی ملک در تهران می‌داند و می‌گوید: «وقتی قیمت اجاره کافه در تهران ماهی ۲۰ تا ۳۰ میلیون است، عده زیادی از مردم نمی‌توانند هزینه کنند. بنابراین به این فکر می‌افتند که با پول کمتری برای خودشان، شغلی ایجاد کنند.» مقدم معتقد است که فودتراک‌ها باعث زنده‌تر شدن فضای شهری می‌شوند: «در گذشته و همین حالا هم مردم ایران با دستفروشان غذا در گوشه خیابان روبه‌رو می‌شوند و غذافروشی‌های سیار پدیده خیلی جدیدی هم نیست. اما این شیوه از ارائه غذا ابتدا در کشورهای غربی اتفاق افتاده و حالا به ایران رسیده.»

کافه‌های سیار می‌تواند یک تب باشد که با اوج و فرود شبکه‌های اجتماعی طرفدارانش کاهش یا افزایش پیدا کنند یا می‌تواند سبک جدیدی از کسب و کار شهری شناخته شود که در خدمت زندگی پرسرعت مردم در کلانشهرها قرار می‌گیرد.